معنی لغات جدید درس دهم

رونق داشتن : خوب بودن وضع کسب و کار حرفه : شغل ، پیشه ، کار طبع : ذوق،استعداد

جویا : کنجکاو ، جستجوگر اقامت گزیدم : درجایی ساکن شدم ، ماندم کنج : گوشه

فروزان : تابان ، درخشان ، روشن ذوق : شور و شوق ، علاقه . توانایی قریحه : ذوق و استعداد

عاجز: ناتوان ،درمانده استعداد : آمادگی ، توانایی مقصود : خواسته ، آرزو ، نیت

لبریز : پر،لبالب دایرشدن : تشکیل شدن ،ایجاد شدن سرمشق : الگو، نمونه

فعّال: پرکار ، کوشا فعّالیت: کوشش ، تلاش مکتب : محل درس خواندن، نام مدرسه در قدیم

پرشور : پر حرارت ، با هیجان اجتماع : گروه ، جمعی از دسته های انسانی از پس : از پشت

اطفال : کودکان ویژه : خاص ، مخصوص ابداع : نوآوری ، چیزی را از نو پدید آوردن ،ایجادکردن

بام : بالای ساختمان ، پشت بام پشتکار : تلاش برای انجام کاری ،با علاقه کاری را پیگیری کردن

پند : نصیحت ، اندرز سرگذشت : شرح حال اراده : خواست ، میل ،تصمیم

صبر : شکیبایی ، بردباری خشنود : راضی ، خوشحال ، شادمان آیت : نشانه

هما : پرنده ای افسانه ای که سایه اش باعث سعادتمندی می شود ابوالعجائب :پدر شگفتی ها

ماسوا: موجودات ، مخلوقات ، غیر از خدا رخ : سیما ، صورت مسکین : فقیر ، تهی دست

قسم : سوگند کرم :لطف ، جوانمردی ، بزرگواری نگین : سنگ قیمتی که رویانگشتر می گذارند

مدارا : با نرمی و ملایمت رفتار کردن علم کند : معرفی کند ، برپا کند ، مشهور بسازد

واژگان هم خانواده

(کتاب – مکتوب –کاتب – مکتب) (مقصود – قصد – قاصد) (راضی – رضایت – مرضیه)

(قبول – قابل – مقبول) (صبر – صبور – صابر)